

عنوان مقاله:

واکاری تفکرهای خلاق و انتقادی در بین دانش آموزان در راستای اهداف آموزشی

محل انتشار:

چهارمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

لیلا علیمردانی - کارشناس ارشد علوم تربیتی، مدیر دبستان دولتی دخترانه شهید پاکدامن شهر تهران

محمود آتشی - کارشناس ارشد علوم تربیتی، آموزگار آموزش و پرورش شهر تبریز

رامک رهبر - کارشناس ارشد پژوهش هنر، معاون پرورشی دبستان دولتی دخترانه شهید پاکدامن شهر تهران

خلاصه مقاله:

مدارس امروز به دلیل پیشرفت های مختلف علوم و تحقیقات هم زمان در هدف های آموزشی سعی خود را در بیشتر به انتقال اطلاعات و حقایق علمی معطوف کرده اند، در حالی که با ورود به دوران فراصنعتی در عصر فرا اطلاعات به دلیل ویژگی هایی مانند انفجار دانش، تحول تغییر سریع یافته های علمی، حضور ماشین های هوشمند در عرصه تعلیم و تربیت و از همه مهم تر عدم قطعیت معرفت علمی، نه امکان انتقال همه یافته های علمی وجود دارد و نه ضرورتی در این زمینه احساس می شود. به همین دلیل، متخصصان تعلیم و تربیت و برنامه ریزان درسی به جای انتقال حقایق علمی، پرورش و تقویت ارزش ها و نگرش های علمی را توصیه می کنند و به جای تولید مجدد حقایق علمی در فرایند تأکید می کنند آنها معتقدند که دانش آموزان به جای کسب حقایق علمی باید روش کسب حقایق علمی توجه کنند و به جای انباشت حقایق علمی در ذهن، بیاموزند که چگونه به تنهایی فکر کنند تصمیم بگیرند و درباره امور مختلف قضاوت کنند. دانش آموزان در فرآیند آموزش باید بتوانند ادراک حسی، فهم نظریات مختلف تفکر علمی و نقاد خود را تقویت کنند و رشد دهند. رسیدن به چنین اهدافی مستلزم فرصت های مطلوب یادگیری است. چنین فرصت و موقعیتی با دستور دادن، موعظه کردن، القا و ترغیب تقلید و اطاعت از دیگری به وجود نخواهد آمد، زیرا محدود ساختن تعلیم و تربیت به انتقال و حفظ حقایق علمی، رشد طبیعی دانش آموزان را محدود خواهد ساخت. بنابراین آموزش و پرورش، از این جهت که مرکز دانش پژوهی و گلوگاه توسعه از آن یاد می شود، چرا حاصل نهادینه کردن تفکر پژوهشی در نظام تعلیم و تربیت امروز، وجود تفکر خلاق پژوهشگر در آینده است.

کلمات کلیدی:

تفکر انتقادی، تفکر خلاق، آموزش و پرورش، دانش آموز، تعلیم و تربیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/492232>

